

تاریخ دستورنویسی

در جهان، زبان عربی و فارسی

رضا کریمی لاریمی

مدرس دانشگاه فرهنگیان و دبیر دبیرستان‌های جویبار

دکتر حسین پارسایی

مدرس دانشگاه آزاد قائمشهر

چکیده

در این مقاله به بررسی و تبیین تدوین تاریخ دستور زبان فارسی در جهان، زبان عربی و فارسی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، دستور، تاریخچه دستورنویسی

مقدمه

«زبان فارسی از خانواده زبان‌های ایرانی و زبان‌های ایرانی از خانواده زبان‌های هند و ایرانی است. زبان‌های هند و ایرانی نیز از شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی است. زبان‌های هند و اروپایی یکی از خانواده‌های مهم زبان بشری است که شاخه‌های گوناگون آن در سراسر اروپا و در قسمت پهناوری از آسیا و آمریکا و اقیانوسیه و آفریقای جنوبی پراکنده شده است.»

(انوری، ۱۳۸۵: ۲)

آموختن دستور هر زبان آگاهی علمی به آن زبان است. این آگاهی منشأ بسیاری از عملکردهای درست زبانی است؛ عملکردهایی از قبیل استفاده مناسب و منطقی از زبان به‌عنوان ابزار سازمان‌دهنده فکر و ذهن، آموزش درست زبان‌های بیگانه و توفیق در برقراری ارتباط گفتاری و نوشتاری، و مسلماً آنکه زبان را بهتر می‌شناسد بهتر می‌تواند از آن استفاده کند.

«ابتدا تعریفی از دستور زبان فارسی ارائه می‌کنیم که در اکثر کتب دستور آن را تقریباً یکسان تعریف نموده‌اند، از جمله: دستور زبان فارسی قواعدی است که بدان درست گفتن و درست نوشتن را بیاموزند» (پنج استاد، ۱۳۷۰: ۱۱).

«اما قدیمی‌ترین مللی که متوجه دستور زبان گردیده‌اند، مصریان و سومریان (در قرن پنجم قبل از میلاد) هستند. سپس یهودیان به آن توجه نموده‌اند، چنان که در کتاب تورات مطالبی راجع به اشتقاق

کلمات موجود است و همچنین چینیان دستور زبان داشته‌اند. ولی همه این‌ها اقدامات ابتدایی بوده و شکل نظری و مکمل دستور زبان از هند است که پانصد سال قبل از میلاد به زبان سانسکریت تدوین شده است» (خیامپور، ۱۳۷۳: ۱۲).

شاید بتوان گفت اولین روشی که برای بررسی زبان به کار برده شد، روش توصیفی بود. یکی از مهم‌ترین دلایل توجه به مطالعات زبانی وجود سرودها و قطعات مذهبی و سعی در حفظ گونه صحیح این قطعات و مطالب و احتراز از خطا و لغزش در تلفظ این قبیل مطالب بود. قدیمی‌ترین دستور زبانی که به این شیوه تنظیم شد، دستوری است که توسط پانینی دستورنویس مشهور هندی در اواخر قرن چهارم پیش از میلاد برای صحیح خواندن سرودهای ودا به رشته تحریر درآمد. دستور پانینی که شاید کهن‌ترین بررسی توصیفی از زبان سانسکریت باشد اساس مطالعات بعدی زبان سانسکریت قرار گرفت.

یکی دیگر از اقوامی که از زمان‌های گذشته به بررسی زبان پرداختند، یونانیان بودند که واضع دستور زبان در مغرب زمین هستند و دیدگاه آنان متفاوت از هندیان بود، زیرا یونانیان از زمان افلاطون، به این دانش نیز از دریچه فلسفه نگریسته و در پی شناخت و منشأ و ماهیت و چیستی زبان برآمدند و این مسئله که آیا دلالت الفاظ بر معانی عقلی و طبیعی است یا بر حسب مواضع و قرارداد، مورد بحث و فحص آنان قرار گرفت و فیلسوفان یونان در مباحثات خود می‌کوشیدند تا قوانین منطقی را بر قواعد زبان منطبق کنند.

افلاطون (Plato) معتقد بود که بین شیئی و کلمه‌ای که برای نامیدن آن به کار می‌رود رابطه‌ای منطقی وجود دارد. به سخن دیگر بین کلمه و مابازای خارجی آن می‌توان ارتباطی منطقی جست.

ب) اختراع چاپ که در قرن پانزدهم صورت گرفت در تحول بررسی‌های زبانی نقش مؤثری داشت.
ج) ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های دیگر و چاپ آن.
تا اینکه در سال ۱۶۰۶ «گوشار» فرانسوی در فرهنگ ریشه‌شناسی

قدیمی‌ترین نوشته یونانی که اشاراتی در این موارد دارد، یکی از مکالمات افلاطون به نام «کراتیلوس» است.

دستوری را که ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد نوشته است و مباحثی درباره کیفیت و ماهیت زبان دارد و نظریه ارسطو درباره وصفی و قراردادی بودن عناصر زبانی تا امروز مورد تأیید اغلب زبان‌شناسان است. وی مابین دستور زبان و منطق ارتباط کاملی برقرار کرد. ارسطو این دستور را به زبان یونانی نوشته است که زبان رسمی آن‌ها بود و او اجزای کلام را به اسم، فعل و حروف تقسیم کرد و تقسیمات زبانی او سال‌های مدیدی الگوی دستورنویسی برای زبان‌های غرب و نیز برای زبان عربی و فارسی قرار گرفت.

«یونانیان اسم و صفت را از یکدیگر جدا نکرده بودند. بعدها اروپائیان به پیروی از مسلمین آن‌ها را از یکدیگر جدا کردند. ولی علمای هند از قدیم این کار را کرده بودند. «دونی دو تراس» در قرن اول قبل از میلاد نخستین کسی است که در کتاب خود به نام Artgrammatical دستور زبان را علم مستقل تلقی کرد. «یولونیوس دیسکول» در قرن دوم میلادی نحو را از صرف کاملاً جدا ساخت» (خیامپور، ۱۳۷۳: ۱۲).

البته رواقیان به چهار حالت اسم یعنی فاعلی، اضافی، مفعولی و مفعول‌البهی پی بردند. در زمینه زبان، نخستین دستور زبان یونانی در حدود سال ۱۵۰ پیش از میلاد به وسیله «دیونوس سیوس تراکیایی» نوشته شد. این محقق اجزای کلام را به هشت قسمت (اسم، صفت، فعل، ضمیر، قید، حرف اضافه، حرف تعریف و حرف ربط) تقسیم کرد. این روش دستورنگاری و تقسیم هشت‌گانه «دیونوس» نیز مانند نوشته‌های هندی‌ها سرمشق محققان بعدی قرار گرفت. زبان‌شناسان دستور زبان‌هایی را که معمولاً به این شیوه تدوین شده‌اند، «دستورهای سنتی» می‌نامند.

اما رومیان گرچه نسبت به این علم از خود علاقه نشان داده‌اند ولی در این باب ابتکاری نداشته و فقط اصطلاحات یونانیان را به لاتینی ترجمه کرده‌اند و نخستین کتاب دستور شناخته شده زبان لاتینی به نام «دستور زبان لاتین» در قرن اول پیش از میلاد توسط «وارو» در بیست‌وشش جلد تألیف شد.

یکی دیگر از دستورنویسان نام‌آور رومی «یلیوس دو ناتوس» در قرن چهارم میلادی کتاب معروف خود را در زمینه دستور زبان به نام «فن ضمیر» منتشر کرد. این کتاب از چنان اهمیتی برخوردار بود که در قرون وسطی نیز تدریس می‌شد.

در آغاز قرن ششم میلادی مفصل‌ترین کتاب دستور زبان به نام «مقولات گرامری» توسط «پریسکیانوس» در بیست جلد انتشار یافت که هجده جلد آن درباره صرف و دو جلد آن درباره نحو بود. این کتاب در قرون وسطی از معتبرترین و جامع‌ترین دستورهای زبان لاتین به شمار می‌رفت.

باید توجه داشت که اغلب مطالعات زبانی تا زمان قرون وسطی محدود و اختصاصی بود اما تحول در مطالعات زبانی دستخوش چند عامل بود که عبارت‌اند از:

الف) انتشار مسیحیت و مأموریت مبلغان مسیحی که موجب شد در نقاط مختلف پراکنده شوند.

خود به بررسی ریشه‌های لغات در زبان‌های مختلف پرداخت و در این دوره، یعنی رنسانس، بعضی از اندیشمندان فرانسوی دستور زبان‌هایی را نوشتند. در قرن هفدهم عده‌ای از دانشمندان زبان را بازتاب اندیشه و خرد آدمی دانستند و چنین استدلال می‌کردند که چون شالوده تفکر و خرد آدمی همگانی است، ناچار مقولات زبان نیز شالوده‌ای همگانی و عقلانی دارد.

تداوم این طرز تفکر و استدلال در میان دستورنویسان آن زمان



موجب تدوین «دستورهای همگانی» شد. معروف‌ترین نوشته از این دست، کتاب دستور «پورت رویال» است که در سال ۱۶۶۰ منتشر شد. این کتاب عمومی مستدل، که بیش از دویست سال در سراسر جهان غرب یکی از کتب درسی معتبر در زمینه دستور زبان بود، بالاخره در قرن هجدهم منتشر شد و تألیف دستورهای همگانی رواج یافت و در قرن بیستم باعث تحول و گشتار آن در زبان نوین گردید. «در آخر قرن هجدهم حادثه مهمی در تاریخ دستور زبان رخ داد، یعنی سانسکریت کشف شد و طولی نکشید که گرامر تاریخی و مقایسه‌ای جانشین گرامر عمومی گردید. در اوایل قرن نوزدهم یک دانشمند آلمانی به اسم «آده لونک» کتاب دستوری نوشت و در مقدمه آن تذکر داد که برای نوشتن دستور زبان دو راه است: یکی آنکه اصول قدما مراعات و مطابق معمول آنان نوشته شود و دیگر آنکه دستورنویس به رعایت این اصول مقید نباشد و مسائل را شخصاً مورد تحقیق قرار دهد» (خیامپور، ۱۳۷۲: ۱۲).

البته با کارهایی که ویلیام جونز انگلیسی درباره رابطه و خویشاوندی زبان‌ها کرد و نظریه قاطعی در این زمینه داد؛ بحث درباره هم‌ریشه و هم‌خانواده بودن برخی از زبان‌ها نیازمند تحولات آن زبان‌ها از صورت قدیم به صورت جدید بود که بررسی تاریخی زبان رواج یافت و دستورهای تاریخی سنجشی جای خود را به دستورهای همگانی داد. تا اینکه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم «آنتوان می‌یر» در زمینه صرف و نحو تاریخی زبان‌های یونانی، لاتینی، ارمنی، ایرلندی و ژرمنی تحقیقاتی انجام داد و رساله‌ای نوشت. او از نخستین کسانی بوده که کتاب جامعی درباره دستور زبان فارسی باستان تألیف کرده است. وی کتاب دیگری به نام «روش تطبیقی در دستور تاریخی» را تألیف نمود.

از این به بعد توجه دستورنویسان بیشتر به واقعیات عینی زبان معطوف شد و تحقیقات خود را بیشتر درباره زبان‌های زنده دنیا متوجه می‌نمودند و طرفداران این مکتب‌ها را «نودستوریان» می‌نامیدند.

تاریخچه دستور زبان عربی

«در میان مسلمین نخستین کسی که به دستور زبان توجه پیدا کرد، ابوالاسود دؤلی بود که اساس علم نحو را از حضرت علی (ع) آموخت و اصول آن را طرح‌ریزی کرد. در چرایی توجه به این فن گویند که وی از راهی می‌گذشت دید شخصی این آیه را خواند «ان الله بری من المشرکین و رسوله» و کلمه رسول را مجرور ساخت، این بود که به فکر تدوین نحو افتاد تا از این گونه خطاها جلوگیری شود» (خیامپور، ۱۳۷۲: ۱۳-۱۲).

«پس از ابوالاسود نوبت به «خلیل بن احمد فراهیدی» (متوفی در قرن دوم هجری) رسید و در این زمان به این فن نیاز بیشتری بود، زیرا عرب در نتیجه آمیزش با ملل دیگر، اغلب در اعراب کلمات به خطا می‌افتادند. خلیل به تهذیب آن پرداخت و باب‌های آن را تکمیل کرد. نیز شاگرد وی «سیبویه»، که اصلاً ایرانی بود، فروغ آن را کامل کرد و دلایل و شواهد فراوانی برای آن‌ها آورد و کتابی نوشت که امروز به اسم «الکتاب» معروف است و هنوز مهم‌ترین مرجع علم نحو به‌شمار می‌رود.

پس از سیبویه، «زجاج» (متوفی در سال ۳۱۱) و شاگرد وی «ابوعلی فارسی» (متوفی به سال ۳۷۷) به پیروی او کتاب‌هایی در این فن نوشتند. بعدها میان علمای بصره و کوفه اختلاف شد و هر یک ناگزیر شدند برای اثبات مدعای خود دلایل بیشتری بیاورند.

از این رو کتاب‌هایی که در علم نحو نوشته شد، اطناب پیدا کرد ولی بعد علمایی آمدند و بسیاری از این کتاب‌ها را تلخیص کردند، یعنی ضمن حفظ تمام مطالب، آن‌ها را به عبارات کوتاه‌تری نوشتند، مانند ابن مالک در کتاب «التسهیل»، زمخشری در کتاب «المفصل»، ابن حاجب در مقدمه خود و گاهی هم آن‌ها را به نظم درآوردند، مانند ابن معطی و ابن مالک.

«خلاصه آنکه صرف و نحو عربی در دنیای اسلام سخت رواج یافت و بعد نیز عده‌ای آمدند تا کار گذشتگان را دنبال کنند و در این فن به تألیف یا شرح و تعلیق بر تألیفات متقدمین پرداختند، مانند نجم‌الائمه رضی آبادی در شرح شافیه و کافیه ابن حاجب، جمال‌الدین ابن هشام به نام المغنی فی الاعراب، جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی شرح الفیه ابن مالک، عبدالرحمن جامی شرح کافیه ابن حاجب به نام فوائد ضیائیه و شیخ بهایی عاملی یک دوره کامل نحو را در کتاب فوائد صمدیه نگاشت. البته ناگفته نماند که علم صرف را در زبان عرب «معاض هراز» تدوین کرد» (همان: ۱۳).

دستورنویسی در زبان فارسی

اما در ایران و در زبان فارسی باید اذعان کرد که نسبت به دستور زبان چندان توجهی نشده است و اگر از بعضی تألیفات، که اغلب در هندوستان پدید آمده‌اند و از پاره‌ای مسائل دستوری که برخی فرهنگ‌نویسان در مقدمه فرهنگ‌ها (مانند فرهنگ انجمن آرای ناصری، برهان قاطع، برهان جامع و ... که تألیف آن‌ها هم از زمان ما چندان دور نیست) نوشته‌اند، قطع نظر شود اقدام به تدوین و تألیف دستور زبان فارسی به معنی حقیقی خود بسیار تازه است. کتاب‌هایی هم که در این باب نوشته شده‌اند اغلب به تقلید از صرف و نحو عربی یا اقتباس از زبان‌های اروپایی بوده است.

اما اگر به عقب برگردیم در قرون گذشته جسته و گریخته بحث‌هایی در کتاب‌ها و آثار گذشتگان ما درباره دستور انجام گرفته است. مثلاً در قرن هفتم کتاب «المعجم فی معاییر اشعار العجم» که در سه بخش عروض، قافیه و نقد شعر نوشته شده اولین کتابی است که درباره صرف و اشتقاق کلمات توسط «شمس قیس رازی» بحث شده است. بعد از او در قرن هشتم «ابوحیان نحوی» کتابی نوشته است به نام «منطق الخرس فی لسان الفرس» که مطالبی از دستور را مطرح کرد. تا اینکه در قرن یازدهم در مقدمه فرهنگ‌ها از جمله «فرهنگ جهانگیری» جمال‌الدین حسین انجوی شیرازی، «برهان قاطع» خلف تبریزی و «انجمن آرای ناصری» از رضالقی خان هدایت در قرن سیزدهم مباحثی از دستور را مطرح نمودند.

البته کتاب‌هایی چون «قواعد صرف و نحو فارسی» از عبدالکریم ابوالقاسم ایروانی و «صرف و نحو فارسی» از محمدکریم کرمانی تألیف شدند و بعداً در قرن چهاردهم کتاب «لسان العجم» از میرزا حسن طالقانی تألیف شد. وی کلمه را در دستور خویش به سه قسم اسم،

فعل و حرف تقسیم کرد و از نظر او فعل ماضی پنج قسم بیان شد:

۱. ماضی محدود (ماضی ساده یا مطلق)

۲. ماضی مؤخر (ماضی نقلی)

۳. ماضی سابق (ماضی بعید)

۴. ماضی اسبق (ماضی ابعد)

۵. ماضی مستمر (ماضی استمراری)

فعال مضارع را نیز در سه نوع بیان کرد:

۱. مضارع مخلوط (مضارع اخباری)

۲. مضارع قریب مثل: فعل می خواهم بگویم

۳. مضارع بعید (آینده) مثل: خواهم گفت

دستورنویس بعدی، «میرزا حبیب اصفهانی» است. وی اولین کسی است که واژه «دستور» را به کار برد. میرزا حبیب کتاب «دستور سخن» و «دبستان سخن» را در این زمینه نوشت و کلمات را به ده قسمت تقسیم کرد:

۱. اسم

۲. صفت (اعداد را در قسمت صفات بررسی می کند که شامل:

۱. اصلی ۲. کسری ۳. ترتیبی ۴. توزیعی ۵. مجموعی است) ۳. ضمیر

۴. فعل ۵. کنایات ۶. فروع فعل ۷. متعلقات فعل ۸. حروف ۹. ادوات

۱۰. اصوات.

برای اولین بار میرزا حبیب دستور فارسی را از صرف و نحو عربی جدا کرد تا اینکه «عبدالعظیم قریب» کتاب «دستور زبان فارسی» را برای دبیرستانها نوشت که در سه دوره بود. او تقریباً نظریات میرزا حبیب را پذیرفته بود و بعد از آن محمد امین ادیب طوسی «دستور نوین» و عبدالرحیم همایون فرخ «دستور فرخ» و پنج تن از استادان دانشگاه تهران (استاد رشید یاسمی، ملک الشعراى بهار، بدیع الزمان فروزان فر، عبدالعظیم قریب و جلال الدین همایی) کتاب «دستور زبان پنج استاد» را نگاشتند.

بعد از اینها تحقیقات دکتر پرویز ناتل خانلری در دستور زبان اهمیت یافت. او اولین بار واژه «نهاد» را در دستور امروزی مطرح کرد و بعد از او، دستور مطرح، «دستور زبان فارسی دکتر عبدالرسول خیامپور» است که در زمان خودش دستور بی نظیر و کاملی بود. از آن پس دستورهایی جدیدی مثل دستور باطنی، مشکوةالدینی، وحیدیان کامیار، انوری و احمدی گیوی درباره دستور زبان فارسی به نگارش درآمد.

منابع

۱. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۴)، تاریخ زبان فارسی، چاپ ششم. تهران: سمت.
۲. انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۵)، دستور زبان فارسی (۲). ویرایش سوم. تهران: انتشارات فاطمی.
۳. باقری، مهری (۱۳۷۸)، مقدمات زبان شناسی. چاپ سوم. تهران: نشر قطره.
۴. پنج استاد (۱۳۷۰)، دستور زبان فارسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات اشراقی.
۵. خیامپور، عبدالرسول (۱۳۷۲)، دستور زبان فارسی. چاپ هشتم. کتاب فروشی تهران.
۶. فرشیدورد، خسرو (۱۳۴۸)، دستور امروز، تهران: صفی علی شاه.
۷. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۵)، دستور زبان فارسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۸. وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی (۱). چ هفتم. تهران: سمت.